

# جشن مهرگان

۱

پس از آنکه تاریخ اوستائی بقول وست «Vest» مستشرق آلمانی در حدود سال ۵۰۵ ق.م. (زمان داریوش بزرگ) و یا بقول کوت شمید آلمانی در حدود سال ۴۲۸ ق.م. (در زمان داریوش دوم) مقبول دربار شاهان هخامنشی گردید، ماههای یارسی بشهور اوستائی مبدل شد. اسامی ماههای اوستائی یعنی شهوری که فعلاً معمول ایرانیان است مأخوذ از اسامی امشاسپندان و ایزدان مذهب زردشتی است.

در تقویم اوستائی هر ماه را سی روز بوده است و از آنجا که سال در نزد ایرانیان شمسی تقریبی یعنی ۳۶۵ روز و کسری بود ناچار پنج روز را با اسم اندرگاه یا پنجه دزدیده بر ایام سال میافزودند و در این امر پیرو آئین خاصی بودند که ذکر آن از موضوع بحث ما خارج است. در این تقویم بجای اینکه ایام سی گانه ماه بهفته هائی تقسیم شود هر یک نامی مخصوص دارد و این اسامی نیز مأخوذ از اسامی خداوند و امشاسپندان و فرشتگان است و بدین ترتیب میباشد:

هورمزد . بهمن . اردیبهشت . شهر یور . اسفندارمذ . خرداد . مرداد . دیباذر . آذر .  
آبان . خور . ماه . تیر . گوش . دیبهر . مهر . سروش . رشن .  
فروردین . بهرام . رام . باد . دیدین . دین . ارد . اشاد . آسمان .  
زامیاد . ماروسفند . انبران ۱

بنا بر این می بینیم که در هر یک از شهور اسامی یکی از ایام با اسم ماه مطابقت میکند: و بنا بر توصیه زرتشت در اقسام این ایام زرتشیان ناگزیر از بر پا داشتن جشنی بودند، و ایرانیان نیز معمولاً باین گونه از اعیاد نام همان روز را داده و به آخر آن ادات (گان) را اضافه میکرده اند تا نشانه عید باشد. چنانکه درباره اردیبهشتگان و خردادگان و تیرگان و غیره کرده اند.

مهرگان نیز در جزء همین اعیاد هست زیرا در شانزدهمین روز ماه مهر که بنام «مهر» موسوم است میباشد و چنانکه میدانیم در اثر توافق اسم این روز با نام ماه مهر پیدا شد، ولی این عید را نباید فقط از جنبه مذهبی نگاه کرد چه بعضی از حوادث خارجی اهمیت خاصی بآن داده است، و از آنجا که شناختن مقام و مرتبه عظیم فرشته (مهر) در اوستا در تشخیص اهمیت مذهبی عید مهرگان کاملاً مؤثر است ما بدو بشرح آن می پردازیم:

مهر از ایزدان بسیار مهمی است که در اوستا بنام وی بر

میخوریم. دو ایزد در اوستا از تمام ایزدان مهمتر دانسته

شده اند. یکی از آندو سروش و دیگری مهر است.

ایندو در مذهب بهدینان از حیث مرتبت بلافاصله بعد از امشاسپندان قرار دارند.

اسم مهر در سانسکریت میترا Mitra آمده و بعد از «وارونا» ( یعنی آسمان ) از سایر فرشتگان مهمتر دانسته شده است ، و معنی آن دوستی و عهد و پیمان و او خود طرفدار جدی راستی و درستی و عقیده پاک و دشمن قادر دروغ و نفاق معرفی گردیده و اشتقاق آن از کلمه میت Mithra میباید که معنی بیوسته و هبوط میدهد .

در اوستا مهر بنام میترا Mithra و در پهلوی بنام میترا Mitre یاد شده است . معنی آنرا یوستی Justi . واسطه و رابطه مابین فروغ مجدد و فروغ ازلی میدانند ولی و ندیداد آنرا بمعنی عهد و پیمان ذکر میکنند . ۲ .

بقول دارمستتر Darmesteter این فرشته بنام میترای و متره و مترم نیز خوانده شده ۲ و معنی آن محبت و دوستی است .

درودا نیز مانند اوستا برای مراهیمت و مقام مخصوصی فرض شده است و علاوه بر این وظایف او درودا اندکی شبیه بوظایفش در اوستا میباشد ، و در اثر وجود همین شباهت میتوان گفت که مهر در يك عهدی خدا یا فرشته مشترك نزاد های ایرانی و هندی بوده است . قدمت مهر از همینجا در میان قوم ایرانی معلوم و هویداست ؛ .

یکی از جمله اشباهاتی که در میان فرهنگ نویسان و ادبای بعد از اسلام ایرانی بشدت ریشه دوانیده است یکی دانستن مهر با خورشید است و این اشتباه بحدی قدمت دارد که گلمشخص را بر دید میاندازد، مثلا استرابون یکی از مورخین محقق قدیم در میان مهر و خورشید فرقی نگذاشته است . ولی در اثر قدمت این عقیده نباید بصحت آن حکم کرد، چه مندرجات و مسطورات اوستا خلاف این عقیده را کاملاً آشکار میسازد و فی المثل ما در قرة ۲ از کرده چهارم مهریشت میخوانیم : « مهر را میستائیم .... اولین ایزدی که پیش از خورشید فنا ناپذیر تیز اسب در بالای کوه هرا Hara ° بر میآید و از آنجا آنمهر بسیار توانا بتمام منزلگاههای آریائی مینگردد . »

آئین مهر بتدریج در اثر غلبه ایرانیان بر بابل و بابل و از آنجا با سیای صغیر و بالاخره از همان راه با رویا رفت و در قرون اولیه میلادی اهمیتی فراوان یافت و امروزه وجود مجسمه مهر در قصر و انیکان، رم درجه اهمیت و مقام مهر را در میان پرستندگان مهر برای ما بیان میکند . بعقیده مهر پرستان مهر از تخته سنگی بوجود آمده و برای رفاه بشر با بدیها از پی جنگ برخاست و معتقد بودند که عاقبه الامر فتح و ظفر او را خواهد بود ، و از آنجا که از اطالعه کلام بیم داریم در باب آئین مهر که در جای خود دارای اهمیت فراوانی است سخن نمیرانیم و ناگفته از سر آن میگذریم .

۱ - ۲ - یشتها

۳ - دارمستتر . تبعات ایرانی ج ۲ ص ۳۰۴ -

۴ - Darmesteter . Etudes iraniennes V . 2 . P . 303

۵ - دارمستتر زند اوستا ج ۲ ص ۴۴۱ -

۶ - Darmesteter . Zende - Avesta . V . 2 . 441

۷ - هرا یا هرایی Haraiti نام کوهی است که آنرا باختلاف کوه البرز و یا یکی از جبال شرقی فلات ایران دانسته اند . وطن فوی این کوه باید در قسمت شرقی فلات ایران قرار داشته باشد .

صفات مهر در اوستا بسیار است و ما اگر بخواهیم بذکر تمامی آنها بپردازیم این مقاله مفصل خواهد شد. ولی بجا است که مختصری از آنچه را که از مهریشت برمیآید در اینجا بنگاریم. القاب و صفات مهمی که در مهریشت برای مهر یاد شده است بدین ترتیب می باشد:

دارنده دشتهای فراخ . قویترین موجودات . آگاه از کلام راستین . زبان آور . دارنده هزار گوش . خوش اندام . دارنده هزار چشم . زورمند . پاسبان بیدار . بسیار توانا . ایزد مینوی فر بخشنده . صاحب ده هزار دیه بان . سود بخشنده . سرکوبی کننده دیوان . پیروزی و قوت دهنده مملکت . بی رونق کننده مملکت خصم . توانا . از همه چیز آگاه . حافظ ستونهای کاخهای مرتفع توانا تر . تواناترین . فریفته نشدنی . آراينده سپاه . دارنده هزار جستی . شهریار توانا و دانا . پاسبان بیدار دلیر . بسیار هوشمند . بخشنده زندگی و سعادت و نعمت و راستی . سزاوار ستایش . سرور باشکوه . دارنده ده هزار چشم بزرگ جسمانی و روحانی . قویترین و دلیر ترین و چالاک ترین و تند ترین و فیروزمند ترین ایزدان . پاسبان و نگهبان سعادت کلیه نوع بشر . دارنده دشتهای بسیار دراز . تیز گوش . آراسته بهزار مهارت . دربر دارنده زره زرین . صاحب سپر سیمین . سرور نیرومند . دلیر رزم آزما . حامی مزدیسنائی . نیک . نخستین دلیر . بسیار رحم . ایزد بزرگ نیک منش . و غیره . . .

این ایزد را بنام « سردار محبت » و « تمام داننده کار عدل » نیز یاد کرده اند . بنا بر آنچه از مسطورات اوستا و مخصوصاً مهریشت برمیآید ، خداوند مهر را در شایستگی ستایش مانند خویش آفریده است و او را طرفدار راستی معرفی کرده میگوید که اگر کسی بهم دروغ نگوید مهر با او اسبهای تیز رفتار خوش خرام میبخشد و ایزد آذر راه راست را بدو نشان میدهد و فروهر های مقدس و پیرا صاحب فرزندان کاری و نیک فطرت میکنند و احتیاجات وی از هر حیث رفع میشود .

هشت تن ازیاران مهر از جانب او بفرز کوهها و برجها برآمده در آن اماکن می نشینند و مراقب پیمان شکنان و مخصوصاً دروغگویان بهمرند . اهورمزد مهر را هزار جستی و چالاکی و ده هزار چشم بخشید تا بنیروی آنها نگهبان احوال اشخاص پیمان شکن دروغگو شود ، و او را ده هزار دیه بانست و ازینرو هیچکس بدو دروغ نتواند گفت حتی بزرگان و رؤسای خانوادهها و دهکدهها و نواحی و ایالات و اگر احیاناً یکی از آنان بوی دروغ بگوید مهر غضبناک میشود و خانه و ده و ناحیه و ایالات و رؤسای آنها را تباه میکند و اسبان آن مردم نسبت بایشان نافرمانی میکنند و پای از رفتار میکشند و نیزه های آنان در حال پرتاب شدن بسوی دشمن بعقب باز میگردد و اگر نیز بیدن خصم رسد بدان آسیبی نخواهد رساند .

مهر حامی ممالک آریائی و سرور سامان دهنده آنهاست . و نخستین ایزدی است که پیش از خورشید جاودان تیز اسب از فراز کوه « هرا » یا « هریتی » سر بر آورده از آنجا بتمام منزلگاههای آریائی؟ مینگرد . و اهورمزد از برای

مهر در بالای کوهی بلند و رخشان که در آنجا نه تاریکی و نه شب و نه گرما و نه مرض و نه پایدی دیو هیچکدام وجود ندارد و مه و بخار از آن متصاعد نشود آرامگاهی قرارداد و آن کوه هریتی نام دارد. این آرامگاه را امشاسپندان بیاری خورشید به طیب خاطر بر فراز کوه مزبور برپای کردند تا مهر از آنجا بسراسر دنیای مادی بگذرد. مهر را گرد و نه است که چهار اسب سفید یکرنگ آنرا در فضا بحسرت در میآورند و راننده آن ارد میباشد و چنانکه از کرده ۳۱ مهر یشت بر میاید تمام آلات و ادوات جنگ در آن وجود دارد و در همین کرده راجع باین گردونه و تشریفات مهر بقصیل سخن گفته شده است.

مهر برانگیزاننده جنگ و دوام دهنده آن میباشد و در جنگها پایداری کرده صفوف اعدا را از هم میشکافد و در دشمنان وحشت و اضطرابی عظیم تولید میکند. این ایزد بزرگ همیشه بیدار است و بر فراز برجی بزرگ ایستاده یاسبانی جهان میکند و یکی از کارهای او اینست که آبهارا فروان مینماید و باران را از آسمان میباراند و گیاه را میرویاند، و او را از عقل طبیعی چندان بهره است که کسی را در جهان بیایه وی نتوان یافت و گوش او درشنوائی نظیر ندارد.

نیایش مهر را آدابی مخصوص بود و چنانکه از مهر یشت و مخصوصا کرده-های ۳۰ و ۳۳ آن و بعضی ماخذ دیگر بر میاید لازم بود که نیایش کننده غسل کند و در هنگام عبادت برسم در دست گیرد و شیر را با زور یعنی آب مقدس (که در اوستا زائوثر *Zaotra* نام دارد) و با عصاره گیاه هوم مخلوط کرده بنوشد و نیز از نان مقدس یعنی درئون *Daraona* بخورد. هومه مقدس را زوت یعنی پیشوای مذهبی نیاز مهر می کرد.

باری چنانکه بطور کلی از نتیجه آنچه گفتیم بر میاید ایزد مهر فرشته راستی و درستی و عهد و پیمان و فروغ و جنگ و شجاعت و مهر و محبت و نگهبان خان و مان و قبیله و دودمان جنگویان راست گفتار و طرفدار راستان و درستان و دایران قوم ایرانی و یاسبان ممالک آریائی ایران میباشد.

چون وظایف مهر بسیار زیاد است برای او هزار گوش و ده هزار چشم تصور شد و مقصود ازین خیال اینست که هزار ایزد هر آنچه را که میشوند با او میگویند و ده هزار ایزد هر آنچه که می بینند بدو نشان میدهند

علاوه براین چون در اجرای بعضی از مقاصد دیگر خود محتاج به مدستانی است ایزدانی از قبیل دامونیش اویمن (نماینده اندیشه تفرین و لعن از طرف دانا) - و فرشتگان آبها و گیاهها - جیستا فرشته عام - آذر فرشته آتش - فرکیانی فرشته شکوه و جلال سلطنت ایران - سروش مظهر فرمانبرداری و نماینده صفت رضا و تسلیم و موکل بر حساب ثواب و گناه خلق در روز رستاخیز - رشن فرشته عدالت - بهرام فرشته پیروزی - ارد فرشته ثروت - باد همکار امشاسپند خرداد - نگهبان آب - و بعضی دیگر از ایزدان در گرد مهر بوده او را در اجرای نیات کمک و مساعدت میکنند. اسامی ایزدان مزبور در مهر یشت بتکرار ذکر شده است.

ذیبح الله صفا